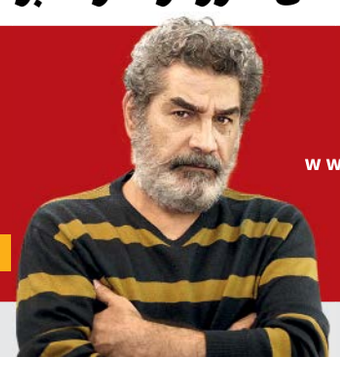
در «نوجوانه» بخوانید

راه‌هایی برای شناخت آدم‌ها

گفت‌وگوی «بوق‌اشغال» با میکائیل شهرستانی

کاش هنوز در مدرسه بودم



۲۰

جام جم

www.jamejamdaily.ir

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران



پنجشنبه ۳۰ دی ۱۴۰۰ | ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۱۳۵ | استان تهران و البرز ۳۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۲۵۰۰ تومان | Thursday - January 20, 2022



گزارشی از سفر رئیس جمهور به مسکو و دیدار ۳ ساعته با ولادیمیر پوتین در کاخ کرملین

تهران-مسکو؛ در مسیر جهش تجارت

+ بررسی ظرفیت‌های دو کشور در زمینه توسعه روابط اقتصادی

۳-۴

«هفتگ جام جم» به ۵ سال پیش در چنین روزی رفته است. وقتی پلاسکو فرو ریخت و غم آن برسر ما آوار شد

جایی برای نفس کشیدن نیست



چند خودروی آتش‌نشانی مقابل ساختمان توقف کرده بودند و دود و آتش از شیشه‌های طبقه بالایی راهی به بیرون پیدا کرده بود و هر چه می‌گذشت، شدتش بیشتر می‌شد. کم‌کم تعداد آتش‌نشانان بیشتر شد و دو طرف خیابان را بستند. حدود ساعت ۱۰ صبح شده بود همه منتظر خاموش شدن آتش و پایان عملیات بودیم که ساعت ۱۱ ماجرا رنگ دیگری به خود گرفت. بخشی از دیوار طبقات بالایی فروریخت. آتش‌نشانان فهمیده بودند حادثه‌ای تلخ درراه است. وحشت حادثه‌ای تلخ در چهره‌شان دیده می‌شد. چند دقیقه بعد فریاد «ساختمان را تخلیه کنید» در فضا پیچید و آتش‌نشانان، کسبه‌ای را که داخل ساختمان بودند از راهروها خارج کرده و از مأموران می‌خواستند سد راه بازگشت آنها شوند...

۱۳-۱۶

بیشتر بخوانید

بودجه ۱۴۰۱ شهرداری تهران چه تفاوتی با بودجه سال گذشته این کلانشهر دارد

بودجه پایتخت زیر ذره‌بین

۱۸

قضات فرانسوی و آمریکایی، تدابیر محدودکننده علیه شیوع کرونا را باطل کردند

وقتی سلامت وتو می‌شود

۸

تیم زنان ایران در نخستین مسابقه در جام ملت‌های آسیا به مصاف هند می‌رود

یک شروع بالیوودی در فوتبال

۴

گزارش‌ها از مناطق سیل‌زده کرمان، حکایت از بحرانی بودن شرایط می‌کند

۳۳۰ روستا در محاصره سیل

۱۹

یادداشت

انعکاس دیپلماسی فرهنگی در روابط تهران- مسکو



حجت‌الاسلام محمد مهدی ایمانی‌پور

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

در حوزه روابط بین‌الملل، کلیدواژه‌ای به نام «هم‌افزایی راهبردی» اصالت زیادی دارد. به این معنا که بازیگران و کشورها، از وجود فرصت‌ها یا تهدیدات مشترک به مثابه زمینه‌هایی جهت همکاری و همپوشانی در حوزه‌های مختلف استفاده کنند و این همپوشانی در زمینه‌های مختلف به ویژه اقتصادی و منطقه جملگی می‌تواند مصداق داشته باشد. رصد دقیق اشتراکات، هدایت آنها در چارچوب یک همکاری عملیاتی و موثر برای طرفین و بهره‌برداری از این همکاری در مسیر تحقق منافع ملی کشور است و این قاعده در شکل‌گیری، استمرار و تکامل روابط راهبردی ایران و روسیه کاملا صادق است. ایران، کشوری با فرهنگ غنی و پویا، ژئوپلیتیک خاص و قدرت تاثیرگذاری منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای در جوانب مختلف محسوب می‌شود. روسیه نیز کشوری است که همواره از سوی بازیگران غربی مورد تهدید قرار داشته و از سوی دیگر توانسته خود را با عنوان قدرتی مسلط در بسیاری از زمینه‌ها در نظام بین‌الملل تثبیت کند. بدیهی است که در برخی حوزه‌ها، هم‌افزایی موثری میان دو کشور در موضوعات متعدد صورت گرفته و فراتر از آن، زمینه‌های همکاری بسیاری میان این دو در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی وجود دارد.

در چنین شرایطی، نقش مولفه‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی در تحقق رابطه راهبردی میان دو کشور ایران و روسیه بسیار پررنگ و تعیین‌کننده خواهد بود. بسیاری از استراتژیست‌ها و نظریه‌پردازان حوزه روابط بین‌الملل در ابتدای هزاره سوم، یعنی دوره‌ای که در آن به سر می‌بریم، نه‌تنها دیپلماسی فرهنگی را یک مجرای ارتباطی و ظرفیت‌ساز برای کشورها و دولت‌ها قلمداد می‌کنند، بلکه فراتر از آن مولفه‌های فرهنگ را به مثابه یک بستر اصلی در شکل‌دهی و استمرار مناسبات می‌دانند. به این معنا که همکاری‌ها و همپوشانی‌های فرهنگی را عامل پیونددهنده کشورها در حوزه‌های متنوع اقتصادی و سیاسی دانسته و دیپلماسی رسمی را بدون پیوست فرهنگی ابتر و ناقص تلقی می‌کنند.

تهران و مسکو پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیوستن کمونیسم به موزه‌های تاریخ، اقدامات و زمینه‌ساز بسیاری در حوزه فرهنگی داشته و دارند. گسترش تمایل بسیاری از دانشجویان و شهروندان دو کشور در خصوص آموزش زبان‌های فارسی و روسی، مبادلات دانشگاهی و علمی، ترجمه آثار کتاب‌های علمی، فلسفی، تاریخی و سیاسی، مبادلات فرهنگی در حوزه هنر، سینما و تئاتر، فرهنگی در رشته تئاتر و سینما از جمله این موارد محسوب می‌شود و ورود متقابل گردشگران ایرانی به روسیه نیز در سال‌های اخیر بر تقویت این روند افزوده است.

از سوی دیگر، مطابق پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته از سوی اقتصاددانان بین‌المللی، طی سال‌های نزدیک و حتی یک دهه آینده، چهار قدرت اقتصادی اصلی جهان از حوزه جغرافیایی شرق و آسیا خواهند بود. روسیه و چین دو قدرت عمده در این خصوص محسوب می‌شوند. حتی یکی از موضوعاتی که بازیگران غربی از جمله آمریکا در خصوص آن نگرانی دارند، همین رشد فناوری‌های نوین و نمو اقتصادی و صنعتی در میان بازیگران شرقی است. در چنین شرایطی نگاه به شرق، حکم یک راهبرد فرصت‌ساز را در حوزه اقتصادی کشور خواهد داشت و باید از این فرصت‌ها به نفع منافع اقتصادی و تجاری کشور به خوبی استفاده شود. البته نگاه‌ها و فرضیات بازدارنده‌ای که در مواجهه با این حقیقت مطرح می‌شود که ریشه در بی‌توجهی به این واقعیت مهم اقتصادی در جهان معاصر است.

دیدگاه

سفر به روسیه گام مهم خنثی‌سازی تحریم‌ها



رضا کوچک‌زاده

کارشناس روابط بین‌الملل

سفر آقای رئیسی، رئیس جمهوی اسلامی ایران، به مسکو و دیدار با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، واجد اهمیتی مهم در نظام بین‌الملل و در روابط ایران و روسیه است. ایران و روسیه که قبلا همسایگان زمینی بودند و امروز بر کرانه‌های دریای خزر به صورت «آبی» همسایه‌اند، دارای بیش از ۲۲۰ میلیون جمعیت و فراخنای گسترده‌ای از جغرافیای سرزمینی در نیمکره شمالی هستند. جغرافیای مشترکی از منافع به هم پیوسته که مملو از منابع زیرزمینی، انسانی، انرژی و در یک کلام در اختیار داشتن منطقه‌ها رتلند که زمین هستند که اتفاقا در آسیای مرکزی و پیمان شانگهای جدیدا بیش از پیش به هم گره خورده‌اند. این دو کشور نه تنها همسایه هم مرزند، بلکه در سطحی راهبردی نیز از مهم‌ترین مخالفان جدی آمریکا در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند و هر دو کشور دارای ائتلافی نانوشته برای تنظیم یک نظم چند قطبی در جهان و مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکا هستند. با وجود این، همواره گلایه از سطح پایین مراودات اقتصادی بالاست و در ایران نیز با توجه به ظرفیت‌های موجود در بازار ۱۵۰ میلیون نفری روسیه، مطالبات برای یک رابطه راهبردی در عرصه اقتصاد و تجارت ضرورت دارد. از طرف دیگر، روسیه دارای توانمندی‌های بسیار جدی در عرصه نظامی است، کشوری که دارای حق وتو در شورای امنیت ملل متحد است که قدرتی مهم و صاحب نفوذ در حوزه سیاسی- امنیتی جهان محسوب می‌شود.

تفحص رابطه گذشته در چند دهه اخیر بین ایران و روسیه نیز نشان داده است هر دو کشور در سطوح امنیتی- سیاسی همکاری‌های بسیار جدی و راهبردی داشته‌اند. از منافع مشترک و موازی در سوریه، یمن، افغانستان، آسیای میانه و حتی قفقاز جنوبی تا اشتراک رویه در مجامع بین‌المللی، نزدیکی این دو کشور را بیان می‌کند. از این روی، ضرورت نگاه مثبت و همکاری جویانه با روسیه امری الزامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که باید مبتنی بر شاخصه‌های امنیت و منافع ملی باشد. همزمان، تقارن جدی این وضعیت با رویکرد دیپلماسی اقتصادی و همسایه محوری دولت سیزدهم که در پی متوازن‌سازی روابط خارجی ایران و استقلال بخشی به تصمیمات خود در مقابله با آمریکا و غرب است، موضوع را جدی‌تر می‌نماید.

بنابراین، امروز از یک سو، چه با رفع تحریم‌ها پس از مذاکرات وین، چه بدون آن، ایران اسلامی نیازمند رابطه هدفمند اقتصادی با روسیه و دیگر کشورها برای خنثی‌سازی تحریم‌ها و مقابله سیاست‌های استعمارگرایانه غرب است. از طرفی، این روابط نیازمند نوسازی ناوگان نظامی و مکمل‌سازی مواضع طرفین در مجامع بین‌المللی و عرصه سیاسی در نظم جدید جهان است. اهمیت سفر اخیر رئیس جمهور به روسیه به اندازه‌ای است که محافل سیاسی و رسانه‌ای جهان و بازیگران مهم عرصه بین‌الملل به این سفر توجه ویژه کرده و گویا منتظر یک اتفاق جدی‌اند. در کنار آن، اهمیتی که روس‌ها براین سفر قائل هستند و اهتمامی که ایران به این رویکرد داشته نیز قابل توجه و تمرکز است.

براین اساس، به نظر می‌رسد نیازمندی به تبیین و تدوین یک شراکت راهبردی جدی میان ایران و روسیه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصاد و تجارت، انرژی، امنیتی و الزامات همسایگی یک امر جدی و ضروری است. ضرورتی که به نظر می‌رسد هم اراده آن در ایران به وجود آمده است و هم روس‌ها بیش از پیش صاحب تجربه شده‌اند. بنابراین سفر آقای رئیسی به روسیه و نتایج آن، نقطه عطف این ضرورت و رویکرد بسیار مهم در آینده روابط طرفین و سیاست جهانی است.

نگاه

افزایش همکاری با همسایه شمالی



حنیف غفاری

دبیر گروه بین‌الملل

سفر حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهور کشورمان به مسکو، مولد پرسش‌ها و نکات گوناگونی است. این سفر به دعوت ولادیمیر پوتین، همتای روسی رئیس جمهور کشورمان صورت گرفته است تا طرفین در یک سفر کاری، زمینه‌ها و راهکارهای هم‌افزایی مشترک در برابر تهدیدات و فرصت‌های مشترک را احصاء و عملیاتی کردن آنها را کلید بزنند. اهمیت اصلی این سفر، مربوط به نگاه کلان، راهبردی و بلندمدت حاکم در مناسبات تهران و مسکوست. در این معادله، کسب فرصت‌های مشترک و دفع تهدیدات، دو مولفه مهم و تعیین‌کننده محسوب می‌شود. در هم‌افزایی استراتژیک ایران و روسیه، طرفین بر اساس منافع ملی خود، بسیاری از ظرفیت‌های موجود را تقویت و برخی ظرفیت‌های نهفته را نیز احصاء خواهند کرد. ترسیم و افزایش سطح همکاری‌های بلندمدت تجاری میان طرفین، ترسیم مناسبات چندجانبه راهبردی و همپوشانی اقتصادی، سیاسی و امنیتی طرفین با یکدیگر در جهان امروز، از جمله اهداف کلان روسای جمهور هر دو کشور محسوب می‌شود. نگاه باز و عمیق آیت... رئیسی و ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در این خصوص قطعا می‌تواند برای تهران و مسکو و شرکای آنها در حوزه روابط بین‌الملل فرصت‌ساز و تهدیدزدا باشد. با چینش گزاره‌های منطقی و عقلانی و تحلیل آنها در بستر نظام منطقه‌ای و بین‌الملل امروز درمی‌یابیم پاسخ ندادن به آمادگی مسکو، پکن و دیگر بازیگران همسو برای برقراری روابط استراتژیک با ایران مبنایی عقلانی و منطقی ندارد. عقلانیت و منطق استراتژیک حکم می‌کند از روابط برای حفظ و افزایش قدرت مانور بین‌المللی خود استفاده بهینه کنیم. صورت‌بندی آنچه امروز در منطقه و نظام بین‌الملل می‌گذرد چندان ساده به نظر نمی‌رسد. ایجاد این کلاف چندلایه و تودرتو از یک سو ریشه در پیچیدگی‌های ذاتی منطقه و از سوی دیگر، ریشه در بازی غرب در نظام بین‌الملل دارد.

همگرایی و همکاری در نظام بین‌الملل یک اصل تئوری و عملی محسوب می‌شود. در باب نظریات همگرایی و همکاری، تاکنون هزاران رساله و مطلب نوشته شده و تزها و آنتی‌تزهای گوناگونی در این خصوص بیان شده است. هم‌افزایی راهبردی با روسیه، اقدام و گامی منطقی با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های این همکاری و همگرایی محسوب می‌شود. قطعا کشورمان باید از روابط با کشورهای روسیه، چین و... برای حفظ و افزایش قدرت مانور بین‌المللی خود استفاده بهینه کند و اهمیت بالای استراتژیک این روابط را فدای مناسبات تاکتیکی خود با بازیگران غیر همسو نکند. انعقاد چارچوب تفاهم راهبردی طولانی‌مدت ایران و روسیه، چارچوبی است که این موارد در آنها جملگی قابل تحقق و تامین خواهد بود. اراده جدی طرفین در این خصوص، به عاملی تسریع‌کننده در این مسیر مبدل خواهد شد و بسیاری از همکاری‌ها را ایجاد یا مستمر خواهد کرد. در حوزه سیاسی، قطعا تفاهم راهبردی بلندمدت تهران و مسکو می‌تواند قدرت بازدارندگی بالایی را برای هر دو طرف در برابر توطئه‌ها و اقدامات دشمنان مشترک ایجاد خواهد کرد. در حوزه‌های فرهنگی، امنیتی و سایبری نیز این همکاری‌ها قابل تعریف و بسط خواهد بود. در چنین شرایطی سفر رئیسی به مسکو با هدف تنظیم چارچوب کلان مناسبات ایران و روسیه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و نقطه عطفی در مناسبات دو کشور محسوب می‌شود.

خبر

صبح دیروز در بیمارستان؛ راوی عصرهای کریسکان به شهادت رسید

امیر سعیدزاده راوی کتاب «عصرهای کریسکان» در پی عوارض جانبازی دفاع مقدس، صبح دیروز چهارشنبه ۲۹ دی در بیمارستان ساسان در ۶۰ سالگی به شهادت رسید.



به گزارش مهر، امیر سعیدزاده (سعید سردشتی) جانباز دوران دفاع مقدس و راوی کتاب «عصرهای کریسکان» صبح دیروز به شهادت رسید و به یاران شهیدش پیوست. «عصرهای کریسکان» کتاب خاطرات این جانباز را از فعالیت‌های دوران پیش از انقلاب و مجاهدت‌های دفاع مقدس تا رنج‌های اسارت در زندان‌های کومله و دموکرات در بر می‌گیرد که به قلم کیانوش گلزار راغب ثبت و تدوین شده و سال ۹۴ توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد. تقریظ رهبر انقلاب بر این کتاب اسفند سال ۹۹ در مراسم دهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت رونمایی شد.

امیر سعیدزاده، راوی این کتاب یکی از منحصر به فرد ترین نیروی‌های دفاع مقدس است. چراکه عضو هیچ سازمانی نیست. یک نیروی آزاد است و در عین حال در مأموریت‌های اطلاعاتی و عملیاتی شرکت می‌کند، مأموریت هایی نیز برای شناسایی در خارج از کشور دارد. پس از آن راهی سپاه می‌شود.

سعیدزاده پیش از انقلاب، از طرف ساواک، مورد پیگیری و بازخواست قرار گرفته و فراری می‌شود. اسیر کومله می‌شود و از سازمان کومله نیز فرار می‌کند. ۴ سال بعد از جنگ، سعید زاده به اسارت حزب دموکرات کردستان عراق در می‌آید. این دوران از ابتدای انقلاب تا سال ۷۴، یعنی یک دوره ۱۵ ساله، به طول می‌انجامد. نویسنده در این کتاب با یک سبک ابتکاری، خاطره چند روایی را طرح کرده است. خواننده وقتی سعیدزاده را می‌شناسد، وارد یک تنش و درگیری می‌شود. سپس در فصل بعد این‌که خانواده اش چه عکس العملی نشان می‌دهد، بررسی و از زبان همسر او همان خاطرات تکمیل می‌شود. اتفاقاتی که حول محور خانواده رخ می‌دهد؛ یعنی راوی اصلی خود خبر ندارد، اما خانواده کاملا به تمام جوانب مسلط است. در بخشی همسر او وارد داستان می‌شود، آن نقاط مبهم را تکمیل می‌کند. دوباره در فصل بعدی راوی اصلی ادامه ماجرا را می‌گوید و همسر راوی وارد داستان می‌شود و خاطرات را شرح می‌دهد. راوی دوم پیگیری‌های جانبی که برای خانواده مانند شهادت دیگر برادران، اسارت پدر و بمباران هایی که در شهر رخ می‌دهد را بازگو می‌کند. به عبارتی راوی دوم وظیفه تکمیل روایت‌های اصلی را برعهده دارد.